

عرضه روایات بر آیات قرآن از نظر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان

* مهرناز گلی

استادیار دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

** آذر زارعی

کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی زاهدان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶)

چکیده

نخستین معیار در ارزیابی صحت متن حدیث، قرآن کریم است؛ به این معنا که اگر احادیث وارد از پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار با محتوای قرآن سازگار باشند و پذیرفته هستند، و در صورت ناسازگاری و مخالفت با نصوص و محکمات قرآنی به کنار افکنده می‌شوند، حتی اگر اسناد احادیث صحیح و معتبر باشند. لذا مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی روشن علامه طباطبائی را در تفسیر المیزان درباره عرضه روایات بر آیات بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که رد روایات پس از عرضه به دلایل، مخالفت با سیاق و ظاهر آیه، مخالفت روایت با سیاق آیه در بیان مکی و مدنی، ناسازگاری روایت با سیاق آیه به دلیل تکذیب روایت با سیاق و حمل کل آیه بر یک واژه است و پذیرش روایت هم به دلیل موافقت با قرآن و آیه قرآن، استعمال قرآن، از راه جری و تطبیق است که علامه به بررسی دقیق این موارد در تفسیر خود پرداخته است.

واژگان کلیدی: طباطبائی، المیزان، عرضه، روایات، آیات.

* E-mail: goli_m@theo.usb.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: zarei_azar@yahoo.com

مقدمه

مراد از عرضه حدیث بر قرآن، یاری گرفتن از قرآن برای تعیین و ارزیابی صحت و اعتبار روایات است؛ چراکه قرآن از نظر دلالت، صدور و صحت انتساب و اصالت وحیانی خود بدون تردید و بطلان تاپذیر می‌باشد و از ناحیه خداوند حکیم نازل شده است. لیکن حجیت روایات به حجیت قرآن بازمی‌گردد و همان گونه که روایات در اصل حجیت نیازمند قرآن هستند، در تعارض روایات و تشخیص درستی و یا نادرستی مفهومی نصوص نیز معيار اعتبار و سنجش، قرآن است (ر.ک؛ آملی، ۱۳۷۸: ۳۸۸).

درباره اهمیت و ضرورت مقاله پیش رو، از آنجا که احادیث و روایات نقشی اساسی در تفسیر و فهم معانی قرآن دارند. پس اولین راه صحت احادیث، عرضه آن‌ها بر قرآن است. اگر با قرآن موافق بودند، به آن‌ها عمل و در غیر این صورت، آن‌ها را رها می‌کنیم. در زمینه عرضه روایات بر آیات، مقالات و کتب مختلفی نوشته شده است (از جمله؛ دلبی: ۱۳۹۰؛ احمدی، ۱۳۷۶؛ ۳۰۸؛ مؤدب، ۱۳۷۸؛ ۳۰۴ و...). علاوه بر این، از زمان رسول خدا^(ص) نیز این امر بسیار مورد توجه بوده است و از پیامبر اکرم^(ص) به صورت متواتر نقل شده است که فرموده‌اند: «ستکون عنی رواة يرونون الحديث فأعرضوه على القرآن، فإنْ وافق القرآن فخذوه والاً فدعوه: بهزودي پس از من روایانی خواهند بود که حدیث مرا نقل می‌کنند. هرگاه حدیث من به شما رسید، آن را بر قرآن عرضه نمایید؛ چنانچه بین آن حدیث و قرآن همخوانی یافتید، به آن عمل کنید و در غیر این صورت، حدیث را رها کنید» (متقی الہندی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱: ۱۹۶).

یکی از تفاسیری که به بررسی عرضه حدیث بر قرآن پرداخته، تفسیر المیزان اثر علامه طباطبائی است. این تفسیر با وجود اینکه تفسیری قرآن به قرآن است، برای روایات ارزش والایی قائل است، برخلاف سایر مفسران که قرآن را تک‌بعدی تفسیر کرده‌اند و نحوه پذیرش روایات از نظر ایشان آن است که اگر روایات با سیاق و ظاهر آیه ناسازگار

باشند یا از مواردی بودند که در مقاله حاضر بررسی می‌شوند، آن‌ها را رد می‌کنند؛ از جمله مواردی که مقاله حاضر در پی بررسی آن است، اینکه آیا عرضهٔ حدیث بر قرآن از گذشته تاکنون وجود داشته‌است و با توجه به حدیثی که پیامبر^(ص) فرموده‌اند: «یَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (الحیاء، ۲: ۲۲۰)؛ «همان طور که قرآن تازمانی که خورشید و ماه در جریان‌آند، وجود دارد»، عرضهٔ حدیث بر قرآن نیز وجود دارد و آیا این دو مکمل هم هستند یا خیر!

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۱. عرضه

بر وزن «فَلَسَ» به معنای «ظهور و اظهار، و «عرض» خلاف طول» است (قرشی، ۱۳۸۱: ۳۲۳). همچنین، به معنای «نمایش و ارائه» است (ر.ک؛ عیید، ۱۳۸۸: ۶۷۸).

۲-۲. اعراض

به معنای «آن را آشکار ساخت» و خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَّقِمُونَ﴾؛ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده‌است و او از آن اعراض کرده‌است؟! مسلمًا ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت!﴾ (السجده/۲۲) و «اعرض عنی: از من روی گردانید» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۶۰).

۳-۲. آیات

جمع «آیه» به معنای «علامت ظاهری و مشخص» است و حقیقت آن عبارت است از: «هر چیز ظاهری که ملازم است با شیئی که ظهور آن مشخص نیست و نیز هر جمله‌ای از

قرآن که حکمی داشته باشد، آیه تلقی می‌شود. گاهی نیز به هر کلامی که فصلی را از فصل دیگر جدا کند، آیه گویند؛ خواه این حکم، یک سوره باشد، خواه چند فصل و خواه یک فصل از یک سوره» (همان: ۱۰۰).

۲-۴. روایات

روایت در لغت به معنای «نقل و حمل» است؛ چنان‌که به انسان یا حیوانی که آب حمل می‌کند، «راویه» گویند و به روز هشتم ذی‌الحجه بدین سبب که حاجیان برای عزیمت به عرفات آب حمل می‌کنند «یوم الترویه» گفته شده‌است (ر.ک؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق.: ۳۴۷). همچنین، روایت در اصطلاح، مترادف حدیث است و همان معنای حدیث در روایت نیز جاری می‌شود (ر.ک؛ همان). اکنون به بررسی روش علامه طباطبائی در نحوه پذیرش ورود روایات بر آیات می‌پردازیم.

۳. رد روایات پس از عرضه

۱-۳. مخالفت با سیاق آیه

واژه «سیاق» در لغت به معنای «راندن، به حرکت درآوردن و سوق دادن چهارپایان» است (جوهری، ۱۴۰۷ق.: ۱۴۴۹) و یا «جان کندن در هنگام احتضار» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق.: ۴۳۵). در آثار مفسران، به معنای «قرینه و دلاتی برای فهم کلام» است (زرکشی، ۱۹۷۷م: ۲۰۰). اما از نظر علامه طباطبائی، «برانگیختن بر تفسیر» است و ایشان ظاهر قرآن را حجت دانسته است و در صورت مخالفت روایات با ظاهر آیات قرآن، اصالت را به آیات می‌دهد و روایات را رد می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۴۹).

قمی در تفسیر خود می‌گوید:

«ابیالجارود از حضرت ابی جعفر روایت کرده که ذیل آیه ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكُرْهًا وَظَلَالُهُم بِالْغَدُوِّ وَالآصَالِ﴾ تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اطاعت یا اکراه و نیز سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند (الرعد/۱۵)، فرموده است: اما آن‌هایی که از اهل زمین خدا را سجده می‌کنند، همان کسانی هستند که در اسلام به دنیا آمده‌اند و خدای را به طوع و رغبت خود سجده می‌کنند و آن‌هایی که گُرها سجده می‌کنند، عبارتند از کسانی که از روی ناچاری مسلمان شده‌اند، اما آن‌هایی که سجده نمی‌کنند، سایه‌شان خدا را در صبح و شام سجده می‌کند» (قمی، ۱۳۷۶: ۳۶۱).

۲-۳. نقد علامه

ظاهر روایت با سیاق آیه مخالفت دارد؛ چراکه «سیاق» بیان عمومیت قهر خدای تعالی از راه بیان عظمت و علو اوست نسبت به آنچه که در آسمان‌ها و زمین و یا حتی نسبت به سایه ایشان است و این بیان خبر از این می‌دهد که سجده موجودات و سایه‌شان حقیقت سجده است، نه سر به زمین نهادن، ولی از ظاهر روایت چنین برمی‌آید که سجده را به معنای سر به زمین نهادن گرفته است و می‌گوید:

«این سجده در عموم اهل آسمان‌ها و زمین است؛ در بعضی به طوع و رغبت، در بعضی دیگر به کره و اجبار، و در پاره‌ای دیگر که خودشان سجده نمی‌کنند، سایه‌شان به سجده شبیه است. علاوه بر این، با آیه ﴿وَظَلَالُهُم بِالْغَدُوِّ وَالآصَالِ﴾ و سایه‌هایشان بامداد و شامگاه برای خدا سجده می‌کنند» (الرعد/۱۵) و آیه: ﴿أَوَلَمْ يَرَوا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَنْقِسُوا ظَلَالَهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ * وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يُسْكِنُونَ﴾ آیا آن‌ها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از

راست و چپ حرکت دارند و با خضوع برای خدا سجده می‌کنند؟! * (نه تنها سایه‌ها، بلکه) تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین از جنبندگان وجود دارد و نیز فرشتگان برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند ^{﴿النحل / ۴۸۴۹﴾}، سازگار نیست؛ زیرا روایت می‌گوید سایه یک طایفه سجده می‌کنند، ولی آیه می‌فرماید سایه همه آن‌ها سجده می‌کنند» (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۴۷۷).

۲-۳. مخالفت با سیاق و ظاهر آیه

اگر روایتی در عین اینکه از لحاظ سندی معتبر است، با آیات قرآن تعارض و تنافی داشته باشد، هیچ گونه ارزش و اعتباری نخواهد داشت (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۷۶: ۳۰۸)؛ چراکه علامه طباطبائی ظاهر قرآن را حجت می‌داند و در صورت مشاهده مخالفت روایت با ظاهر آیه، اصالت را به آیه داده، روایت را رد می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

۱-۲-۳. در در^رالمشور از ابن جریر آمده که ابن ابی حاتم و ابوالشیخ از قتاده در تفسیر آیه **﴿الَّذِينَ يَوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْثَفُونَ الْمِيَاثِقَ﴾** آن‌ها که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند ^{﴿الرعد / ۲۰﴾}، روایت کردہ‌اند:

«بر شما باد و فای بعهد و اینکه میثاق را نشکنید؛ زیرا خداوند از آن‌ها نهی و درباره آن‌ها به شدیدترین وجه اعلام خطر کرده‌است و آن‌ها را در حدود بیست و چند جای قرآن به عنوان خیرخواهی شما آورده‌است و حجت را بر شما قرار داده، و اهل فهم، عقلا و دانشمندان می‌دانند که عظمت هر چیزی به مقداری است که خداوند عظمتش داده باشد و از رسول خدا^(ص) برای ما نقل کرده‌اند که در خطبه خود فرموده‌است: ایمان ندارد کسی که امانت‌دار نیست و دین ندارد آن کس که به عهد خود پاییند نیست» (سیوطی، ۱۳۷۹: ۵۶).

۲-۲-۳. در در المنشور سیوطی آمده، ابن جریر و ابن ابی حاتم از عکرمه و حسن در ذیل آیه ﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَعْدِيهِمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ: وَ لِي (ای پیامبر!) تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذباشان نمی‌کند﴾ (الأنفال/۳۳)، روایت کرده‌اند که این آیه را آیه بعدی یعنی ﴿وَ مَا لَهُمْ إِلَّا يَعْدِيهِمُ اللَّهُ وَ هُمْ يَصْدُونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا كَانُوا أُولَاءَ إِنْ أُولَاءُ إِلَّا الْمُنَّقُونَ وَ لَا كُنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ: چرا خدا آن‌ها را مجازات نکند، با اینکه از (عبدت موحدان در کنار) مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند، در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن فقط پرهیزگارانند، ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند﴾ (الأنفال/۳۴) نسخ کرده‌است؛ لذا در مکه به مقاتله، گرسنگی و حصر دچار شدند (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۸۱).

۳-۳. ناسازگاری روایت با سیاق آیه، به دلیل تکذیب روایت با سیاق

علامه در تمام تفسیر خود سیاق آیات را مبنای پذیرش روایت قرار می‌دهد و در صورت مغایرت روایتی با آیه قرآن، روایت را رد می‌کند.

در المنشور از ابن مردویه و ابوهریره ذیل آیه ﴿وَ أَنَّدِي جَاءَ بِالصَّدْقِ وَ صَدَقَ بِهِ أَوْئَكَ هُمُ الْمُنَّقُونَ: اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند!﴾ (الزمیر/۳۳)، روایت کرده منظور آیه آن است که کسی که صدق آورده رسول خدا^(ص) است و منظور از آن که وی را تصدیق کرد، علی بن ابی طالب است (در. ک؛ سیوطی، ۱۳۷۹: ۳۲۸).

۳-۴. مخالفت روایت با سیاق آیه به دلیل حمل معنای کل آیه بر یک واژه
برخی روایات ذیل آیاتی ذکر شده‌اند که در صدد بیان معنای یک واژه بوده‌اند، ولی معنای کل آیه را ذکر کرده‌اند که سیاق آیات آن موضوع، آن روایات را رد می‌کنند.

طبرسی در کتاب توحید به سند خود از محمدبن مارد روایت کرده که شخصی از امام صادق^(ع) معنای آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَ﴾ همان بخشنهای که بر عرش مسلط است^{﴿﴾} (طه/۵) را پرسید. حضرت فرمودند: یعنی همه چیز از نظر دوری و نزدیکی برای او یکسان است» (طبرسی، ۱۳۸۹: ۳۱۵).

۳-۵. نقد علامه

این روایت تفسیر مجموعه آیه است، نه فقط تفسیر کلمه «استوی»، و گرنه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَ﴾ جمله‌ای تام و مرکب از مبتدا و خبر است و با سیاق آیه سازگاری ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

۳-۵. مخالفت روایت با سیاق آیه در بیان مکی و مدنی بودن

برای شناخت آیات و سُورَ مکی و مدنی ملاک‌ها و معیارهای مختلفی وجود دارد. طبق این معیارها، آیات را به مکی، مدنی، حضری، سفری، ارضی و سماوی تقسیم‌بندی کرده‌اند (ر.ک؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۷۵)، ولی علامه طباطبائی بهترین راه برای تشخیص سور مکی و مدنی را سیاق خود آیات می‌داند.

در در المنشور از ترمذی، نسایی، ابن منذر، ابن حبان، ابوالشیخ در کتاب «عظمت و حاکم» (که ترمذی و حاکم روایت را صحیح دانسته‌اند)، ابن مردویه، ابونعیم و یهقی هر دو در کتاب «دلائل» خود، همگی نامبرد‌گان ذیل آیه ﴿وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ فَلَمْ يَرَوْهُ مِنْ أُمْرٍ رَّبِّيْ وَ مَا أُوْقِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾: و از تو درباره روح سوال می‌کنند. بگو: روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است! (الإسراء / ۸۵)، از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت:

«قریش به یهودیان مراجعه کردند که از امور دینی چیزی به ما یاد دهید تا از این مرد پرسیم، شاید از جواب ما عاجز مانده، زیانش از ما کوتاه گردد! یهودیان

گفتند: از روح سؤال کنید و وقتی این آیه را در پاسخ شنیدند، گفتند: اتفاقاً ما علم بسیار داریم، ما تورات داریم و هر که تورات داشته باشد، چیز بسیاری دارد و در پاسخ سخنران این آیه نازل شد: ﴿فَلَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِّكَلْمَاتِ رَبِّي لَنَفَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلْمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِدَاداً: بَغْوَ: أَكْرَبَ دُرِيَاهَا بِرَاءَ (نوشتن) كلمات پروردگارم مرکب شود، دریاهای پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاهای) را کمک آن قرار دهیم!﴾ (الکهف/۱۰۹).

○ نقد علامه

علامه می فرماید: «که اصولاً سؤال نامبرده را خود یهود در مدینه از آن جناب کرده‌اند و آیه نیز در جواب آن‌ها در مدینه نازل شده‌است، ولیکن مکی بودن سوره و نیز وحدت سیاق آیه با این روایت سازگار نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۱۳ و سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

۶-۳. مخالف بودن روایت با باطن قرآن

در تفسیر برهان از ابن شهرآشوب، از ابی حمزه و از ابی جعفر روایت کرده که در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَخَدُّوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أُولَيَاءِ إِنِ اسْتَحْبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آن‌ها را ولی (ویار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند!﴿ (التوبه/۲۳)، فرموده: ایمان عبارت است از ولایت علی بن ابی طالب﴾ (برهان، ۱۴۱۶ ق: ۱۱۱).

○ نقد علامه

علامه به این دلیل که روایت متعرض باطن قرآن است و در ک آن مبتنی بر تجزیه و تحلیل ایمان است و ایمان مراتب و حدّ کمالی دارد، آن را رد کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۸۶).

۴. قبول و پذیرش روایت

۴-۱. موافقت با قرآن

مراد از موافقت حدیث با قرآن، هماهنگی و انطباق مفاد حدیث با نصوص، ظواهر و خطوط کلی ترسیم شده از سوی قرآن است (ر.ک؛ خوئی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۷) که علامه طباطبائی نیز به این ویژگی مهم توجه بسیاری داشته است.

۴-۱-۱. در تفسیر معجم البيان از حضرت ابی جعفر نقل شده که فرموده: داود است:

«اهالی شهر ایله را نفرین کرد و علتش این بود که آن‌ها روز شنبه خود را که در آن مراسمی دینی داشتند، سبک شمرده است، مراسم آن را به جایاورده‌اند و از دستورهای آن روز سرپیچی کرده‌اند. لذا داود به درگاه خداوند عرض کرد: بار الها! لعنت خود را همچون ردا بر آنان پوشان و همچون کمربند بر دو پهلویشان بربند. پس خدای تعالی ایشان را به صورت مسخ نمود» (طوسی، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

○ دلائل پذیرش علامه

قرآن نیز این معنا را که اصحاب سبت به صورت میمون مسخ شده‌اند، در دو آیه زیر تأیید می‌کند: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُ الَّذِينَ اخْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبَّتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُوْنُوا قِرَدَةً خَاسِينَ﴾ به طور قطع از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید!

ما به آن‌ها گفتیم: به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآید!» (البقره/۶۵) و در آیه‌ای دیگر که می‌گوید: «وَاسْأَلُهُمْ عَنِ الْقُرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبَّتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَيِّئِهِمْ شُرُّعاً وَيَوْمَ لَا يَسِّئُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذِكَّ تَبْلُوْهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُدُونَ: و از آن‌ها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود، پرس! زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه (که روز تعطیل، استراحت و عبادت بود، بر سطح آب) آشکار می‌شدند، اما در غیر روز شنبه به سراغ آن‌ها نمی‌آمدند. اینچنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند!» (الأعراف/۱۶۳) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۴-۲. موافقت با استعمال قرآن

در تفسیر عیاشی، محمدبن یوسف صنعتی از پدرش روایت کرده که از حضرت ابی جعفر معنی آیه «وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْحَوَارِيْنَ أَنْ «أَمِنُوا بِـ وَبِرَسُولِيْ قَالُوا ءَامَنَّا وَ اشْهَدُ بِأَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ وَ (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید، آن‌ها گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم!» (المائدہ/۱۱۱) را پرسیده است: «مگر به حواریون هم وحی می‌شد؟» ایشان پاسخ دادند: «وَحَىٰ دَرِ اينجَا بِمَعْنَى الْهَامِ اسْتَ» (عیاشی، ۱۴۲۱: ۳۵۰) و ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۲۱).

○ دلائل پذیرش علامه پرتویل جامع علوم انسانی

علامه می فرماید:

«در بسیاری از موارد در قرآن، وحی به جای الهام استعمال شده که یکی از آن‌ها آنجاست که می‌فرماید: «وَأُوحِيَنَا إِلَى أُمٌّ مُوسَى أَنْ أُرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنْ فِي إِنَّا رَادُوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ: ما به

مادر موسی‌الهام کردیم که: او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و نترس و غمگین مباش؛ که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم!» (القصص ۷/۶) و دیگری: «وَأُوحِيَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجَبَالِ بَيْوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرُشُونَ: وَ بِرُورِدَكَارِ تَوْ بَه زنبور عسل وحی (و الهم غریزی) نمود که از کوهها، درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین!» (النحل ۶۸/۶) (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

۴-۳. موافقت با آیه قرآن

در درمنثور از ابن عباس روایت شده که ایشان درباره ماه رمضان و لیله مبارکه و لیله‌القدر گفته اند: لیله‌القدر همان لیله مبارکه است که در ماه رمضان واقع شده است و در آن ماه، قرآن کریم از ذکر به بیت‌المعمور نازل شد و بیت‌المعمور همان موقعیت ستارگان در آسمان دنیاست که قرآن در آنجا قرار دارد و آنگاه به تدریج، قسمتی در امر، قسمتی در نهی و آیاتی نیز درباره جنگ‌ها و... به رسول خدا^(ص) نازل شد» (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

○ دلائل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«این روایت که از ابن عباس نقل شده، مطابق با آیات «ذِكْرٌ تَنْثُوا عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرُ الْحَكِيمُ»: این‌ها را که بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها (ی حقانیت تو) و یادآوری حکیمانه است» (آل عمران ۵۸) و «وَكَتَابٌ مَّسْطُورٌ فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ* وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ: و کتابی که نوشته شده * در صفحه‌ای گسترد * و سوگند به بیت‌المعمور * و سقف برافراشته» (الطور ۵-۲) و «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ * إِنَّهُ لَقَرْءَانٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَّكْتُوبٍ * لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ: سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوغ و

غروب آن‌ها)! * و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! * که آن، قرآن کریمی است) که در کتاب محفوظی جای دارد * و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زند [دست یابند] است^(۱) (الواقعه / ۷۵-۷۹) (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۴-۳-۱. در تفسیر قمی از امام باقر^(۲) روایت شده است که ایشان فرموده‌اند:

«این معنا بر خدا حق و سزاوار است که به شارب‌الخمر بنوشاند آن آبی را که از فرج زنان فاحشه می‌ریزد و در آن روز، آن آب عبارت است از: صدیدها. صدید، چرک و خون غلیظ درهمی است که حرارت و بوی گند آن اهل دوزخ را عذاب می‌دهد» (قمی، ۱۳۷۶: ۱۸۰).

○ دلائل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«این روایت مطابق با این آیه از قرآن است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَجَرَةَ الْرَّقْوُمِ طَعَامُ الْأَثَيِمِ كَالْمُهْلِ يَغْلُبُ فِي الْبُطُونِ كَفَلَى الْحَمِيمِ حُذْوَهُ قَاعِنْلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ثُمَّ صُوَا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَرِيزُ الْمُكْرِيمُ مُسْلِمًا دَرْخَتْ زَقْوَمٍ * غَذَى كَهْكَارَانِ اسْتَ؛ * هَمَانَنْدَ فَلَزْ گَدَاخْتَه در شکم‌ها می‌جوشد؛ * جوششی همچون آب سوزان! * (آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می‌شود): این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتباش کنید! * سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! * (به او گفته می‌شود): بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی!^(۳) (الدخان/ ۴۳-۴۹) (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۰۰).

۴-۳-۲. در تفسیر عیاشی، خالدبن نجیع از جعفر بن محمد روایت شده که ذیل آیه^(۴) هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها

با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! ﴿الرعد/۲۸﴾، به محمدبن عبدالله فرموده که قلوب نیز طمأنیه می‌یابد؛ چراکه این ذکر خدا و حجاب خداست (ر.ک؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۲۱۰).

○ دلائل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«در آیه ﴿أَعْذَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا: خداوند عذاب سختی برای آن‌ها فراهم ساخته است. پس از (مخالفت فرمان) خدا پیرهیزید، ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکر است، بر شما نازل کرده‌است﴾ (الطلاق/۱۰)، ذکر نیز به رسول خدا^(ص) اشاره دارد» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۵۰۲).

۴-۳-۳. در تفسیر در^ر منتشر است که در حلیه از ابن عباس روایت شده که ایشان فرموده‌اند: «رسول خدا^(ص) فرموده است خدای تعالی هیچ آیه‌ای را که در آن ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ باشد، نازل نفرموده، مگر آنکه علی بن ابی طالب در رأس آن و امیر آن است» (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

○ دلائل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«در بسیاری از موارد، آیاتی وجود دارد که دلالت بر شخصیت والای حضرت علی^(ع) می‌کند؛ مانند آیات ﴿كُتُّمْ خَيْرٌ أُسْتَهْجَتٌ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابَ لَكانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چراکه) امر به معروف و نهى از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آین درخشنانی) ایمان آورند، برای

آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ايمانند و بيشتر آنها فاسق‌اند (و خارج از اطاعت پروردگار هستند) ﴿آل عمران/۱۱۰﴾ و ﴿وَكَذِلِكَ جَعْلَنَاكُمْ أُمَّةً وَأَسْطَأْتُكُمْ لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْفِيلَةَ أَلَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا إِلَّا لِتَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ دَحِيمٌ﴾ همان گونه (كه قبله شما، يك قبله ميانه است)، شما را نيز امت ميانه‌اي قرارداديم (در حد اعتدال، ميان افراط و فريطي) تا بر مردم گواه باشيد و پيامبر هم بر شما گواه است و ما آن قبله‌اي را که قبلآ بر آن بودي، تنها برای اين قرارداديم که افرادي که از پيامبر پيروري می‌کنند، از آنها که به جاهليت بازمی‌گردند، مشخص شوند و مسلمان‌اين حکم جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده است، دشوار بود. (این را نيز بدانيد که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحيح بوده است) و خدا هرگز ايمان [و نماز] شما را ضایع نمی‌گردد؛ زира خداوند به مردم رحيم و مهربان است ﴿البقره/۱۴۳﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُوْنُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ اي کسانی که ايمان آورده‌ايده! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد و با صادقان باشيد! ﴿التوبه/۱۱۹﴾ (طباطبائي، ۱۳۸۹: ۳۴۵).

۴-۴. پذيرش از راه جري و تطبيق

جريان تطبيق آيات قرآن در گذر زمان بر مصاديق جديد، بى ارتباط با همان بطن آيات نیست و از ویژگی‌های دیگر قرآن است که پشتوانه مهمی برای جاودانگی آن است. طبق این دیدگاه، اگرچه بخشی از آيات قرآن سبب نزولی خاص و مصادق نخستین دارد، اما امكان تحليل و تطبيق آن بر مصاديق دیگر نيز وجود دارد (ر.ک؛ مؤدب، ۱۳۷۸: ۳۰۴). علامه می‌فرماید: «جري تعييری است که ائمه در روایات خود برای استمرار پیام قرآن کريم در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مصاديق و حکم آن شامل همه دوره‌ها می‌شود» (طباطبائي، ۱۳۸۹: ۶۷).

۴-۴. در تفسیر عیاشی از امام صادق^(ع) ضمن تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاقُتِهِ أُولَئِكَ يَؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده‌ایم [= یهود و نصاری]، آن را چنان که شایسته آن است، می‌خوانند. آن‌ها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند﴿ (البقره ۱۲۱) آمده‌است که ایشان فرموده‌اند: (وقتی پایان به بهشت و دوزخ می‌رسد، می‌ایستند و فکر می‌کنند و در کافی از آن جناب روایت کرده که در تفسیر این آیه فرموده‌است: اینان که قرآن را به حق تلاوت می‌کنند، امامان امت‌آند» (عیاشی، ۱۴۲۱ق.: ۵۷؛ کلینی، ۱۳۸۶: ۲۱۵ و طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴۰۲).

۴-۴. در تفسیر قمی ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانًا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِذَنَابِهِمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لَيَدُوْقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَنِيًّا حَكِيمًا﴾ کسانی که به آیات ما کافر شدند، بهزودی آن‌ها را در آتشی وارد می‌کنیم که هر گاه پوست‌های تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست‌های دیگری به جای آن قرار می‌دهیم تا کیفر (اللهی) را بچشند. خداوند توانا و حکیم است (و روی حساب کیفر می‌دهد﴿ (النساء ۵۶)، گفته شده‌است: «امام فرموده منظور از این آیات، امیرالمؤمنین است» (قمی، ۱۴۱: ۱۳۷۶). علامه می‌فرماید: «این روایات از باب جری و تطبیق است» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۶۱۲).

۴-۵. پذیرش روایات همراه با جری و تعدیل منظور ایشان از بیان جری و تعدیل روایات، بیان مصدق باطنی آیات است که روایت علاوه بر معنای ظاهری، بیان تأویلی نیز دارد.

۴-۵-۱. در تفسیر عیاشی، ابی بصیر از امام صادق^(ع) روایت کرده که ایشان فرموده است:

«چون روز قیامت شود، هر دسته از مردم به نام امام خود خواننده می‌شوند؛ آنانی که در عصر آن امام مرده‌اند، اگر نام امام خود را بدانند و او را به امامت شناخته باشند، نامه عمل ایشان به دست راستشان داده می‌شود؛ چراکه خدای تعالی فرموده است: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَاسٍ يِلَامِيهِمْ فَمَنْ أَوْتَى كِتَابَهُ يِيمِينَ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتَيَّالاً﴾ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عمل ایشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!﴾ (الإسراء/۷۱).

کلمه یمین به معنای معرفت و اثبات امام است، چون کتاب همان امام اوست که می‌خوانند تا آنجا که امام فرمود: کسی که امام خود را نشناسد، از اصحاب شمال است؛ یعنی همان کسانی که خدای تعالی درباره ایشان فرمود: ﴿وَاصْحَابُ الشَّمَالِ مَا اُصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ * وَظَلِيلٌ مِنْ يَحْمُومٍ﴾ و اصحاب شمال! چه اصحاب شمالی (که نامه اعمال به نشانه جرم آنان به دست چپ آنها داده می‌شود)! * آنها در میان بادهای کشنه و آب سوزان قرار دارند * و در سایه دودهای متراکم و آتش‌زا!» (الواقعه/۴۳-۴۱) (عیاشی، ۱۴۲۱ق.: ۲۶۳).

۴-۵-۲. در تفسیر قمی، ضمن روایتی از ابی الجارود از حضرت ابی جعفر^(ع) نقل شده که آن جناب ذیل آیه ﴿يَا بَنِي آَدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِيَسَاً يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسًا الْتَّقْوَى ذِكْرَ خَيْرٍ ذَلِكَ مِنْ عَآيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ﴾ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است. این‌ها (همه) از آیات خداست تا متنذکر (نعمت‌های او) شوند!﴾ (الأعراف/۲۶)، فرمود:

«مراد از لباس همین لباسی است که می‌پوشند نه ریاش، متع و مال. مراد از لباس تقوا، لباس عفاف است؛ زیرا شخص عفیف مانند کسی که لباس به تن

داردو عورت و عیش پوشیده است، هر چند لباس نداشته باشد، به خلاف فاجر که هر چند لباس بپوشد، عورت و معایب آن پیداست» (قمی، ۱۳۷۶: ۲۶۶ و ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

۴-۵-۳. در کتاب کافی به سند خود از یونس، از حضرت ابی الحسن^(ع) روایت کرده است که خداوند انبیاء را بر نبوت آفرید و آنان جز نبی نتوانند بود، مؤمنان را هم بر ایمان آفرید و آنان نیز جز مؤمن نتوانند بود و به مردم دیگر ایمان را به عاریت داده که اگر می خواست تا به آخر برای ایشان باقی می گذارد و اگر نخواست، از آنان می سtanند و در این زمینه است که می فرماید: «آنگاه فرمود: ﴿فَمُسْتَقْرٌ وَ مُسْتَوْدِعٌ﴾ ایمان فلاانی مستودع بود که خداوند وقتی دید به ما دروغ بست، از او بازگرفت و این در آیه ﴿وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقْرٌ وَ مُسْتَوْدِعٌ قَدْ قَصَلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾ او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار. ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم!» (الأنعام/۹۸) (کلینی، ۱۳۸۶: ۴۱۳ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۵۹۱).

۴-۵-۴. در محاسن بررقی از بعضی روایات شیعه نقل شده که او بدون ذکر سند گفته است منظور از تکیر در جمله ﴿وَ لِتُكْبِرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَتُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید. باشد که شکرگزاری کنید!» (البقره/۱۸۵) (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۲ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۸).

۴-۵-۵. در مجمع البیان ذیل آیه ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءٌ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمال او در نظرش آراسته شده است و از هوای نفسشان پیروی می کنند؟!» (محمد/۱۴)، از بعضی نقل کرده که گفته اند منظور «منافقین» هستند و این مطلب از امام جعفر^(ع) روایت شده است (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۰۰ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۵۲).

۴-۵. تأویل یا بیان باطنی آیه

تأویل از ماده «اول» و به معنای «رجوع» است و وقتی به باب تفعیل می‌رود، معنای «برگردان» را می‌دهد. پس تأویل مشابه برگرداندن معنای آن به یک مرجع و مأخذ است و تأویل قرآن به معنای مأخذی است که معارف قرآن از آنجا گرفته می‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۶۶).

۴-۶-۱. در تفسیر برهان از ابن‌بابویه به سند خود از حفص‌بن غیاث از امام صادق^(ص) روایت آورده‌است که فرمود:

«منظور از "یومالطلاق" روزی است که اهل آسمان‌ها و زمین بر می‌خورند، منظور از "یومالتّناد" روزی است که اهل دوزخ اهل بهشت را نداشته‌اند و منظور از "یومالحسرة" روزی است که مرگ را آورده، ذبح می‌کنند و دیگر کسی دچار مرگ نمی‌شود» (البرهان، ۱۴۱۶ق.: ۳۴۲).

۴-۶-۲. در کافی از امام صادق^(ع) روایت آمده که فرمود مراد از «نور»، آل محمد و مراد از «ظلمات» دشمنان انبیا هستند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

۴-۶-۳. در علل الشرایع، به سندی که به انس بن مالک می‌رسد، از حدیثی طولانی رسول خدا^(ص) روایت شده که در آن به پرسش‌های عبدالله بن سلام پاسخ می‌داد مبنی بر اینکه «علامت‌های قیامت چیست؟» امام فرمود علامت‌های قیامت آتشی است که مردم را از شرق به سوی غرب جمع می‌کند (ر.ک؛ ابن‌بابویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۷).

علامه می‌گوید این روایت اشاره به باطن آیه است که اشاره به حوادث قیامت می‌کند، نه بیان ظاهری آن‌ها (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۶۸).

نتیجه‌گیری

با بررسی بحث‌های روایی سراسر تفسیرالمیزان این نتیجه حاصل می‌شود که علامه طباطبائی به تفصیل به ارزیابی روایات پرداخته است و با دلایلی محکم، مانند ناسازگاری روایت با سیاق به دلیل شواهد درونی، ناسازگاری روایت با سیاق آیه در بیان مکنی و مدنی بودن و مخالفت روایت با سیاق آیه به دلیل حمل معنای کل آیه بر یک واژه و... روایات را رد می‌کند و در مواردی، مانند موافقت روایت با آیات قرآن، استعمال قرآن، و روایت از نوع جری و تعدیل، آنها را می‌پذیرد. علاوه بر این، ایشان روایاتی را که دیگر مفسران به دلیل مخالفت با ظاهر آیه نمی‌پذیرند، با بررسی دقیق، آنها را از نوع تأویل و بیان باطنی آیه می‌داند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن‌بابویه، محمدبن علی (صدوق). (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: مؤمنین.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۰۸ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار الإحياء التراث العربي.
- احمدی، حبیب‌الله. (۱۳۷۶). *پژوهشی در علوم القرآن*. تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: مؤسسه البعثة.
- برقی، احمدبن محمد. (۱۳۷۱). *محاسن*. قم: دار الكتاب الإسلامية.
- جوهری، اسماعیلبن حماد. (۱۴۰۷ق.). *صحاح اللغة*. بیروت: دار العلم.
- حجتی، سید محمدباقر. (۱۳۸۶). *تاریخ علوم القرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۲ق.). *مصابح الأصول*. قم: مکتبة الداوري.
- دلبری، سیدعلی. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی فیم حدیث*. مشهد: انتشارات علوم اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۰). *المفردات*. مصر: مکتبة مصطفی البانی الحلبي.

زرکشی، بدرالدین. (۱۹۷۷م). **البرهان فی علوم القرآن**. بیروت: دار المعرفة.

سیوطی، جلال الدین. (۱۳۷۹). **درالمتشور فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار الفکر.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۹). **المیزان**. قم: انتشارات جامعه اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹). **مجمع البيان**. قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____. (۱۳۷۷). **توحید**. تهران: حوزه علمیه قم.

عاملی، جواد. (۱۳۷۸). **تفسیر عاملی**. بیروت: دار الفکر.

عياشی، محمدبن مسعود. (۱۴۲۱م). **تفسیر عیاشی**. قم: مؤسسهبعثة.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۸۱). **قاموس القرآن**. تهران: دارالکتاب الإسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۷۶). **تفسیر قمی**. قم: دارالکتاب.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۶). **کافی**. تهران: اسوه.

متقی الهندي، علاء الدین علی. (۱۴۰۱ق). **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**. مدینه:

مؤسسة الرسالة.

معین، حسن. (۱۳۸۸). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.

مؤدب، سید رضا. (۱۳۷۸). **علم الحديث**. قم: انتشارات احسن الحديث.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی